

## Competition of Missionary Boards in Qajar Iran and Its Consequences: The Confrontation of American and European Missions in Azerbaijan

*Azam Fooladi-Panah*<sup>1</sup>

*Mohammad-Ali Kazem Beigi*<sup>2</sup>

*Bagher-Ali Adel-Far*<sup>3</sup>

Throughout the 19th century, particularly in its later years, Iran, due to the increased activity of foreign missions, became a crowded and competitive scene for religious propagation. Among these, American missionaries faced various challenges from the very beginning of their arrival in Iran. These challenges were not limited solely to the issue of proselytizing Christianity among different strata of Iranian society. In fact, in addition to ideological resistance, other obstacles existed in their path, stemming from the competition among foreign missionary boards active in Iran; boards such as Catholic, Protestant, and Orthodox missionaries who rivaled the American mission in Iran. The present article, relying on library research and employing a descriptive-analytical method, attempts to examine this competition and study its impact on the activities of American missionaries. The findings of this research indicate that American missionaries, possessing sufficient motivation and financial resources, and also utilizing diverse methods, were able to relatively successfully continue their missionary activities while confronting the obstructionism of their Western co-religionists.

▪ **Keywords:**

Iran, Qajar Era, Azerbaijan, Missionary Boards, Competition, Consequences, American Missions, European Missions.

---

<sup>1</sup>. PhD in History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran-Iran (Corresponding Author), fooladi.panah@ut.ac.ir

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran-Iran, mabeyki@ut.ac.ir

<sup>3</sup>. Associate Professor, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin-Iran, b.adelfar@ikiu.ac.ir



## رقابت هیئت‌های تبشیری در ایران عصر قاجاری و پیامدهای آن تقابل میسیون‌های آمریکایی و اروپایی در آذربایجان

اعظم فولادی پناه<sup>۱</sup>

محمدعلی کاظم بیگی<sup>۲</sup>

باقرعلی عادل‌فر<sup>۳</sup>

### چکیده

ایران در سراسر سده نوزدهم میلادی به‌ویژه در اواخر آن با افزایش فعالیت میسیون‌های خارجی به یک میدان تبلیغی متراکم و رقابتی تبدیل گردید. در میان آنها مبلغان آمریکایی از بدو ورود به کشور ایران با چالش‌های متعدد مواجه بودند که همه آنها از موضوع تبشیر در میان گروه‌های مختلف جامعه ایرانی ناشی نمی‌شد. در واقع افزون بر مقاومت عقیدتی، موانع دیگری نیز بر سر راه‌شان وجود داشت که از هم‌چشمی هیئت‌های تبلیغی خارجی اعم از کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس با میسیون آمریکا در ایران سرچشمه می‌گرفت. مقاله حاضر بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای و نیز بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد که ضمن تبیین رقابت مذکور، تأثیر آن را بر روند فعالیت مبلغان آمریکایی مورد مطالعه قرار دهد. دستاوردهای پژوهش نشانگر آن است که میسیون‌های آمریکایی با داشتن انگیزه و منابع مالی لازم و همچنین با توسل به شیوه‌های گوناگون، ضمن دفع کارشکنی‌های هم‌کیشان غربی، با موفقیت نسبی به فعالیت‌های تبشیری خود ادامه می‌دادند.

### واژگان کلیدی:

ایران، قاجاریه، آذربایجان، هیئت‌های تبشیری، رقابت، پیامدها، میسیون‌های آمریکایی، میسیون‌های اروپایی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

<sup>۱</sup> دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران-ایران (نویسنده مسئول)  
fooladi.panah@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران-ایران  
mabeyki@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین-ایران  
b.adelfar@ikiu.ac.ir



## مقدمه

حضور هیئت‌های میسیونری غربی در ایران با آمدن کاتولیک‌های پرتغالی (آگوستین‌ها)<sup>۱</sup> در عصر صفوی آغاز شد. در آن دوره با حمایت دولت‌های اروپایی، مبلغان فرق مختلف کاتولیک در قالب هیأت‌های تبلیغی در ایران به تبلیغ مسیحیت می‌پرداختند؛ اقدامات این گروه‌ها ماهیتی موقتی داشت و چندان فراگیر نبود. عصر قاجاریه، هم‌زمان با گسترش مناسبات چندوجهی ایران با قدرت‌های بزرگ و توسعه‌طلب غربی، ورود هیئت‌های تبشیری که از همان کشورها بودند، به ایران افزایش یافت و تدریجاً فعالیت تبلیغی آنها سازماندهی و تمرکز بیشتری پیدا کرد. در این دوره، ایران شاهد حضور هیئت‌های تبلیغی متنوع با مذاهب پروتستان، کاتولیک و ارتدوکس بود که اختلافات عقیدتی و رقابت‌های آنها با همدیگر ملموس بود و به چشم می‌آمد. مبلغان آمریکایی جزء نخستین هیئت‌های تبشیری بودند که در دوره قاجار به تبلیغ مسیحیت مبادرت ورزیدند، هر چند که در آن زمان هنوز روابط سیاسی میان ایران و آمریکا برقرار نشده بود. به دنبال مبلغان آمریکایی به ترتیب لازاریست‌های<sup>۲</sup> فرانسوی، ارتدوکس‌های روس و میسیونرهای انگلیکن<sup>۳</sup> نیز وارد این عرصه شدند. یکی از موضوعات قابل توجه در زمینه بررسی فعالیت میسیونرهای آمریکایی در ایران قاجاری، رقابت موجود میان آنها و هیئت‌های تبشیری دیگر کشورهای غربی است که فراز و فرود این رقابت‌ها به تنش و موانع مختلف در راه فعالیت‌های آمریکایی‌ها منجر می‌شد. سؤال اصلی پژوهش حاضر تأثیر این رقابت‌ها بر روند کار میسیون آمریکایی است. فرضیه پژوهش وجود منابع مالی و توانایی شخصی مبلغان آمریکایی برای مقابله با رقابت است. بر این اساس، رقابت‌های میسیون آمریکایی با میسیون‌های اروپایی متغیر مستقل پژوهش و متغیر وابسته، فعالیت تبشیری میسیونرهای آمریکایی در ایران است. توضیح آنکه در مقاله حاضر بر حسب ضرورت از ذکر اطلاعات ضروری در مورد متغیر مستقل نیز خودداری نخواهد شد.

<sup>۱</sup>. Augustinians

<sup>۲</sup>. لازاریست (Lazarist) یا وینسنتین (Vincentian) یکی از فرق مسیحیت کاتولیک به‌شمار می‌رود که مؤسس این فرقه سن ونسان دوپل (۱۵۸۱-۱۶۶۰م.) (Saint Vincent de Paul) کشیش فرانسوی بود. او این فرقه پرجنبش را در ۱۶۲۵م. بنیاد نهاد و هدف این فرقه، ترویج آئین مسیحیت با تحرکی بیشتر و در پناه امور عام‌المنفعه در تمام جهان است. از آنجا که پیروان این فرقه در آغاز کار در کلیسای متروک سن لازار جمع می‌شدند، به نام لازاریست‌ها خوانده شدند. این فرقه، میسیونرهای زیادی را به اقصی نقاط جهان گسیل داشتند و از سال ۱۸۳۸م. وارد منطقه آسوری‌نشین ارومیه شدند (برای اطلاع بیشتر نک: قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۰۲؛

Flinn, 2007: 629-630; Cambridge Dictionary of Christianity, 2010: 1290)

<sup>۳</sup>. Anglican

## پیشینه پژوهش

رقابت میان میسیون آمریکا با سایر میسیون‌های مسیحی در ایران قاجاری و نتایج آن موضوع پژوهش‌های مستقل نبوده است. با وجود این، برخی از آثار استطراداً<sup>۱</sup> به درگیری‌ها میان این میسیون‌ها پرداخته‌اند. از این دست تألیفات می‌توان به مواردی چند اشاره کرد: جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۵۰) در مقاله «مسأله لازاریها در ایران» به معرفی میسیونرهای لازاریست فرانسوی و حضورشان در ایران پرداخته است. ابوالحسن غفاری (۱۳۶۸) در فصل پنجم کتاب "تاریخ روابط ایران و فرانسه از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول"، به هیئت‌های مسیحی فرانسوی می‌پردازد و در ذیل این فصل به صورت مختصر و کلی به مشکلات و رقابت هیئت‌های مسیحی فرانسوی با سایر میسیون‌های مسیحی در آذربایجان اشاره کرده است. هما ناطق (۱۳۷۵) در کتاب "کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران" بیشتر بر فعالیت‌ها و حضور میسیونرهای فرانسوی و تقابل‌های آنها با سایر هیئت‌ها در ایران قاجار متمرکز شده است. همچنین صفورا برومند و ویدا همراز (۱۳۷۹) در مقاله «نگاهی به فعالیت مبلغان ارتدوکس روسی در ایران از آغاز ورود تا مشروطیت» حضور و برخی از موضوعات مربوط به میسیونرهای ارتدوکس روس را با استفاده از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه ج. ا. ایران مورد مطالعه قرار داده‌اند. صفورا برومند (۱۳۸۰) در فصل دوم کتاب "پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه" به موضوع چالش‌های میسیون آمریکا با انجمن تبلیغی کلیسا و حل‌وفصل این مشکل از طریق تقسیم امور تبشیری پرداخته است. ابوطالب سلطانیان (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی کارنامه فرهنگی میسیونرهای لازاریست فرانسه در ایران (از اوایل دوره قاجار تا جنگ جهانی اول)» صرفاً مطالبی را در جهت معرفی و شرح اقدامات فرهنگی لازاریست‌ها در ایران قاجاری ارائه کرده است. ویدا همراز (۱۳۹۱) در فصل اول کتاب "مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی"، به معرفی فعالیت‌های مبلغان انگلیسی، آمریکایی، آلمانی، روس و کاتولیک اشاره کرده است، اما کمتر به موضوع چالش‌های میان این میسیون‌ها پرداخته است.

## میسیون‌های خارجی رقیب میسیون آمریکا

### ۱- میسیونرهای لازاریست فرانسوی

در میان هیئت‌های تبشیری در ایران، اصلی‌ترین رقیب میسیونری آمریکایی از آغاز اقامت در ارومیه تا پایان قرن نوزدهم میلادی، کلیسای کاتولیک بود. در زمان ورود پرکینز<sup>۲</sup> به ایران

<sup>۱</sup>. به‌طور غیرمستقیم

<sup>۲</sup>. Justin Perkins

بخش‌های بزرگی از کلیسای شرق به آئین کلدانی گرایش نشان می‌داد. کلدانیان بیشتر در سرزمین‌های شرقی حکاری<sup>۱</sup> و نیز در در شمال ارومیه و سلماس غالب بودند. البته علی‌رغم نظارت و جلوگیری تشکیلات کلیسای کاتولیک، غالباً به طریق‌های کلدانی با میسیونرهای کاتولیک و واتیکان رقابت داشتند (Becker, 2015: 274; Shavar, 2009: 28-29). بزرگ‌ترین میسیون‌های کاتولیک در منطقه، میسیون دومینیکن<sup>۲</sup> در موصل و میسیون لازاریست در سلماس و ارومیه بود. میسیون دومینیکن در موصل را دومینیکن‌های ایتالیایی در اواسط قرن هجدهم میلادی تأسیس کردند، اما در ۱۲۷۲ق. / ۱۸۵۶م. مأموریت آنها به دومینیکن‌های فرانسوی واگذار شد. فعالیت میسیون لازاریست نیز در ۱۲۵۵ق. / ۱۸۳۹م. به وسیله یوجین پوره<sup>۳</sup> (۱۸۷۸-۱۸۰۹م. / ۱۲۹۵-۱۲۲۴ق.) آغاز شد. او مدرسه‌ای را در دشت ارومیه در روستای بزرگ اردیشاهی تأسیس کرد که قبلاً دارای جمعیتی کلدانی بود. بدین ترتیب میسیون لازاریست فرانسه در ۱۲۵۷ق. / ۱۸۴۱م. رسماً در ارومیه تأسیس شد و به‌زودی (۱۲۵۹ق. / ۱۸۴۳م.) در ارومیه مستقر گشتند. آنها ساختمان کلیسایی با عنوان ماری<sup>۴</sup> یا مادر خدا<sup>۵</sup> را به خود اختصاص دادند. تلاش کاتولیک‌ها به سبب منابع مالی به کندی پیش می‌رفت. آنها فاقد سازماندهی منسجم و دسترسی به جمعیتی بودند که میسیونرهای آمریکایی از آن بهره‌مند بودند. علاوه بر این میسیون آمریکا دارای شبکه‌ای از دستیاران بومی بودند که آنان را در امر تبشیر یاری می‌کردند. آنها اغلب فارغ‌التحصیلان مدارس دینی میسیون بودند و به شغل معلمی و یا موعظه‌گری در روستاها اشتغال داشتند. دستیاران بومی در واقع یک پیوند اجتماعی و فکری مهم بین میسیونرها و جامعه آسوری بودند. با این حال، به تدریج نفوذ میسیون لازاریست افزایش یافت و یکی از مؤسسات مهم آنها، مدرسه دینی لازاریست‌ها بود که در ۱۲۶۲ق. / ۱۸۴۶م. در خسروآباد<sup>۶</sup> تأسیس شد. لازم به ذکر است که تعدادی از کلدانیان در رم در پروپاگاندا فیده<sup>۷</sup>؛ مرکز اصلی مطالعه و آموزش میسیونری کاتولیک تحصیل کرده و

۱. حکاری در منطقه مرزی بین ایران و عثمانی قرار داشت. در اواسط قرن ۱۹ میلادی دولت عثمانی تلاش کرد تا حاکمیت خود را بر این منطقه تحمیل کند. حکاری متکی به قبایل محلی کرد و اسماً تابع عثمانی بود، اما در عمل نقش نوعی دولت حائل را میان عثمانی و قاجاریه داشت.

(Becker, 2015: 43-45).

۲. Dominican

۳. Eugene Boré

۴. Mary

۵. Mother of God

۶. خسروآباد روستایی از توابع شهر سلماس است.

۷. Propaganda Fide

آموزش می‌دیدند و برخی از آنها حتی در رم باقی می‌ماندند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۶۲-۱۲۵۶ق. - کاترین ۵- پوشه ۱۳- ش ۱۴؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۴۴؛ ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۳؛ Perkins, 1843: 171; Wilson, 1896: 350-351; Becker, 2015: 139-140, 170 Hadidi, 2012: 178-181). لازاریست‌ها در سال‌های نخست از سویی موقعیتی پائین‌تر از پروتستان‌ها داشتند، از سوی دیگر مورد توجه حکومت وقت نیز به‌شمار می‌رفتند. از کمبودهای ابتدایی آنها می‌توان به فقدان چاپخانه اشاره کرد و هیئت پروتستان با بهره‌گیری از همین کمبود، دائماً بیانیه علیه مذهب کاتولیک چاپ و پخش می‌کرد؛ نخستین اعلامیه آنها عنوان «بیست و دو دلیل پرهیز از آئین کاتولیک» داشت. تا پایان سده نوزدهم میلادی از چاپخانه میسیون آمریکایی ۶۰۰ متن و ۳۶۰۰ بیانیه بیرون آمد که روی هم ۵۱۰۰۰۰ برگ را در بر می‌گرفت (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۶-۱۶۵؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۳؛ Flynn, 2017: 731).

## ۲- میسیون ارتدوکس روس

ورود میسیون ارتدوکس به ایران در قرن نوزدهم میلادی درحالی بود که روس‌ها به طور فزاینده‌ای قدرت خود را در جنوب قفقاز به ایران نشان داده بودند. از طرفی کارگران آسوری از طریق شمال برای کار به تغلیس و جاهای دیگر سفر می‌کردند. در اوایل دهه ۱۲۶۶ق. / ۱۸۵۰م. جامعه آسوری ایران، توجه کلیسای ارتدوکس را به خود جلب کرد. البته فعالیت میسیون ارتدوکس در ارومیه سال ۱۳۱۴ق. / ۱۸۹۷م. آغاز شد. با حمایت‌های مار یونان<sup>۱</sup> اسقف سپورغان<sup>۲</sup> هزاران آسوری با کلیسای ارتدوکس متحد شدند. یونان قول داده بود که روس‌ها آسوریان را از یوغ اسلام آزاد خواهند کرد. میسیون ارتدوکس رسماً در سال ۱۳۱۵ق. / ۱۸۹۸م. تأسیس شد و تا ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. زیرساخت کلیسا و مدارس آن ایجاد شد و این دوران اوج رسالت ارتدوکس بود. میسیون ارتدوکس از سال ۱۳۲۲ق. / ۱۹۰۴م. انتشار مجله دو زبانه روسی، نئو آرامی ارتدوکس ارومیه با نام *آرتادوکسایتا*<sup>۳</sup> را آغاز کرد که تا سال ۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۵م. منتشر می‌شد (برومند و همراز، ۱۳۷۹: ۸۲، ۸۴؛ *Evangelist and Religious Review*, 1902: 30,73; *One Hundred Fifteenth Annual*, 1917: 293; Becker, 2015: 278). باید توجه داشت که در این دوره، افزون بر نفوذ میسیون ارتدوکس، نفوذ روسیه تزاری نیز در این منطقه گسترش می‌یافت، به‌ویژه آنکه با همگرایی و توافق انگلیس و روس در ۱۳۲۵ق. / ۱۹۰۷م.، شمال غرب ایران در منطقه نفوذ روسیه قرار گرفت. به همین سبب در

<sup>۱</sup>. Mar Yonan

<sup>۲</sup>. سپورغان Sepurghan، نام روستایی از توابع بخش نازلو در ارومیه است.

<sup>۳</sup>. Urmi Artadoksayta

۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. روس‌ها تبریز و در سال بعد خوی و ارومیه را بدون هیچ مقاومتی اشغال کردند و تا جنگ جهانی اول در آنجا ماندند (Becker, 2015: 278-279).

اکثریت آسوریانی که به کلیسای ارتدوکس گرویدند، از کلیسای قدیم بودند. اما وجود داشتند کسانی که به رغم تأثیرپذیری از میسیون‌های کاتولیک رم و انگلیکن، در برابر تغییر مذهب مقاومت نکردند. انگلیکن‌ها که طرفدار خودمختاری کلیساهای شرق بودند، از این جنبش حمایت کردند. در این میان، بسیاری از آسوریان عضو کلیسای انجیلی نیز تغییر مذهب دادند و این باعث خسران و نگرانی میسیون آمریکا شده بود. سهولت گروش بسیاری از افراد به کلیسای ارتدوکس نشان می‌داد که هویت مذهبی تا چه اندازه در بستر سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود. بدین ترتیب در اوایل قرن بیستم میلادی در میان آسوریان، باور اعتقادی تا بدانجا از هویت قومی متمایز شده بود که همانند یک جامه قابل تغییر بود و بدن همواره آسوری باقی می‌ماند (فولادی‌پناه، ۱۴۰۱: ۳۰۵؛ Becker, 2015: 279).

### ۳- میسیون انگلیکن

در اوایل قرن بیستم میلادی میسیون انگلیکن در اوضاع محلی ارومیه تأثیر خود را داشت، اما ورودش به صحنه پس از سایر رقبا بود. کلیسای انگلیس قبلاً برای چندین دهه با آسوریان تماس داشت؛ از جمله توسط انجمن ترویج دانش مسیحیان<sup>۱</sup> و انجمن تبلیغ انجیل<sup>۲</sup> و همچنین سفر جورج پرسبی بجر<sup>۳</sup> (۱۸۸۸-۱۸۱۵م.)، میسیونر انگلیکن به این منطقه و علاوه بر این، چندین آسوری که به تنهایی به انگلیس سفر کرده بودند تا برای مردم خود از آنها کمک بگیرند. در سال ۱۲۸۴ق. / ۱۸۶۸م. یک درخواست رسمی به اسقف اعظم کانتربری ارسال شد که توسط تعداد زیادی از روحانیان آسوری از جمله برخی از آنهایی که به میسیون آمریکایی وابسته بودند، امضاء شده بود. بدین ترتیب «میسیون اسقف اعظم کانتربری»<sup>۴</sup> در میان مسیحیان آسوری، سرانجام در سال ۱۳۰۳ یا ۱۳۰۵ق. / ۱۸۸۶ یا ۱۸۸۸م. تأسیس شد. این میسیون که آنگلو-کاتولیک بود، نه برای تغییر مذهب آسوریان، بلکه به منظور تقویت کلیسای بومی در برابر کلیساهای مخالف، یعنی میسیون آمریکا از یک سو و میسیون کاتولیک از سوی دیگر بود (یسلسون، ۱۳۶۸: ۴۶-۴۷؛ Becker, 2015: 276-277; Speer, 1902: 297).

<sup>۱</sup>. The Society for Promoting Christian Knowledge

<sup>۲</sup>. The Society for the Propagation of the Gospel

<sup>۳</sup>. George Percy Badger

<sup>۴</sup>. The archbishop of Canterbury's Mission

84: 2008). Ameer, (مسیون انگلیکن در مقیاس بسیار کوچک بود. آرتور جی مک‌لین<sup>۱</sup> (۱۹۴۳-۱۸۵۸ م.) و ویلیام هنری براون<sup>۲</sup> (۱۹۱۰-۱۸۴۷ م.)، میسیونرهای انگلیکن بلافاصله پس از ورود به ارومیه شروع به تأسیس مدارس کردند. انگلیکن‌ها سعی می‌کردند تا مردم کلیسای قدیم نسطوری را نسبت به هر گونه کار تبشیری متعصب کنند. این میسیون به سرعت رشد کرد و تقریباً در دهه ۱۳۰۷ ق. / ۱۸۹۰ م. موفق به ایجاد چهل مدرسه شد. فرستادگان انگلیسی مطبوعات زیادی در زمینه‌های مذهبی، تاریخی و آموزشی چاپ کردند و مهم‌ترین آنها متون مذهبی کلیسای قدیم بود که باعث ایجاد اختلاف می‌شد. میسیون انگلیکن با وجود کوچک بودنش نسبت به میسیون آمریکایی در دهه ۱۳۰۷ ق. / ۱۸۹۰ م. به‌ویژه در ترویج خودمختاری کلیسای قدیم تأثیر به‌سزایی داشت. با این حال، در آغاز قرن بیستم میلادی با تأسیس میسیون ارتدوکس اهمیت آن کاهش یافت. البته در ۱۳۲۱ ق. / ۱۹۰۳ م. انگلیکن‌ها به وان و سه سال بعد به ببادی<sup>۳</sup> روستایی در نزدیکی عمّادیه<sup>۴</sup> (در دهوک کردستان عراق) نقل مکان کردند (Wilson, 1895: 299-300; Wilson, 1896: 102; Speer, 1922: 462; Becker, 2015: 277).

در کنار میسیون انگلیکن، هیئت تبشیری انگلیسی دیگر، «انجمن تبلیغی کلیسا»<sup>۵</sup> بود که در ۱۲۹۲ ق. / ۱۸۷۵ م. فعالیت‌های تبشیری را به صورت رسمی در ایران آغاز نمود. اما میسیون آمریکا سال‌ها پیش از استقرار میسیون انجمن سی. ام. اس. انگلستان در برخی مناطق شمال و مرکز ایران مانند تهران، تبریز و همدان مؤسسات آموزشی، تبشیری و پزشکی تأسیس کرده بودند. از این رو، مناطق شمالی و مرکزی ایران عملاً تحت سیطره میسیون آمریکایی بود، در حالی که میسیون انگلیسی بیشتر به تبشیر در میان آرامنه و یهودیان ایران تمرکز داشت که بخش اعظم آنها در نواحی جنوبی ایران زندگی می‌کردند (برومند، ۱۳۸۰: ۱۴۵). میسیون آمریکایی از یک سو به واسطه اینکه پیوندها و اشتراکاتی با میسیون انگلیسی داشت و از سوی دیگر به سبب برابری نسبی تشکیلات و قدرت میسیون انگلیسی، از همان ابتدای استقرار رسمی و فعالیت در ایران، خطوط و حوزه فعالیت خود را مشخص کرده بود تا با تمرکز و فراغ بال بیشتر به تبشیر در میان اقلیت‌ها و اکثریت مسلمان ایران بپردازد. همچنین میسیون آمریکا تقریباً از آغاز حضور و فعالیت در مناطق شمال غربی ایران، همواره با

<sup>1</sup>. Arthur J. Maclean

<sup>2</sup>. William Henry Brown

<sup>3</sup>. Bebadı

<sup>4</sup>. Amadiya

<sup>5</sup>. Church Mission Society(C.M.S)

میسوین‌های لازاریست فرانسوی دچار چالش و درگیری بود. با اینکه میسیون فرانسوی از منظر قدرت، ثروت و تشکیلات هرگز هم‌پای میسیون آمریکایی نبود، اما همواره مایه دل‌نگرانی ایشان به‌شمار می‌رفت. از این رو میسیون‌های آمریکایی که از جانب رقیب فرانسوی خود همواره در تنگنا بودند، نمی‌خواستند در جبهه‌ای دیگر درگیر شوند. بر اساس این تجربه، با سیاست تقسیم و تعیین محدوده جغرافیایی، با میسیون انجمن سی. ام. اس. انگلستان، میسیون آمریکا از بروز مشکلی جدید جلوگیری به عمل آورد.

بدین ترتیب میسیون‌های وابسته به هیئت‌های تبشیری انگلیسی و آمریکایی ضمن برگزاری مجمعی در ۱۳۱۲ق. / ۱۸۹۵م. برای تعیین محدوده جغرافیایی فعالیت‌ها و جلوگیری از تداخل در امور یکدیگر به تعیین حوزه فعالیت‌های خود در ایران پرداختند. بر اساس مصوبات این مجمع، حوزه فعالیت میسیون‌های پروتستان انگلیسی و آمریکایی در ایران با توجه به مدار سی‌وچهار درجه جغرافیایی به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد. مناطق واقع در شمال این مدار، محل فعالیت میسیون‌های آمریکایی و مناطق واقع در جنوب مدار سی‌وچهار درجه عرصه فعالیت میسیون‌های انگلیسی گردید (گروته، ۱۳۶۹: ۲۷۸؛ Speer, 1902: 297-298; Cash, 1930: 27).

غیر از میسیون‌های ذکر شده که میسیون‌های آمریکایی غالباً در تضاد و تعارض با آنها بودند، میسیون‌های دیگری چون میسیون‌های سوئدی و آلمانی<sup>۱</sup> نیز به‌ویژه در آذربایجان فعالیت داشتند. توسعه میسیون هرمانزبورگ<sup>۲</sup> (آلمان) و سوئد که در ابتدا تنها به اجازه تحصیل کشیشان آسوری در آلمان و حمایت مالی از آنها پس از بازگشت به وطن‌شان محدود می‌شد (Tamcke, 2011: 436). بدین ترتیب کشیش پرا یوحنان<sup>۳</sup> متولد روستای اردیشاهی که پس از اتمام تحصیلات خود در هرمانزبورگ<sup>۴</sup> (۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م.)، در ۱۲۹۷ق. / ۱۸۸۰م. به ایران بازگشته بود و با حمایت میسیون سوئد، مدارس میسیون سوئدی-لوتری را برای آسوریان تأسیس کرد. پس از او پسرش لوتر پرا<sup>۵</sup>، راه پدر را ادامه داد. علاوه بر این در اواخر قرن نوزدهم میلادی علایق تجاری آلمان در ایران افزایش یافت و سازمان میسیونری آلمانی

۱. مه‌یاد در جنوب دریاچه ارومیه، کانون فعالیت‌های میسیونری آلمانی بود. از این منطقه، میسیون‌های آلمانی از جمله میسیون شرق آلمان (Deutsche Orient Mission) و میسیون هرمانزبورگ بیشتر در صدد بودند تا به تبشیر کردهای ایرانی بپردازند (برای اطلاع بیشتر نک: Tamcke, 2011: 439-446).

۲. Hermannsburg Mission

۳. Pera Yokhanan

۴. Hermannsburg

۵. Luther Pera

میسسیونرهای خود را به ایران فرستادند و یتیم‌خانه‌هایی را احداث کردند. اما پس از مدتی به‌واسطه همراهی‌های بطریق آسوری در جهت پیوستن به کلیسای ارتدوکس، لوتری‌ها بخش بزرگی از جایگاه کلیسایی خود را از دست دادند. بدین ترتیب هیچیک از میسیون‌های فعال در آذربایجان به اندازه کلیسای لازاریست و کلیسای ارتدوکس روس برای میسیون آمریکا مزاحمت نداشتند (Speer, 1901: 211-212; Speer, 1902: 297; Becker, 2015: 279).

## تأثیر رقابت میسیون‌های خارجی بر روند فعالیت میسیونرهای آمریکایی

### ۱- میسیون آمریکا و لازاریست‌های فرانسوی

حضور لازاریست‌ها برای میسیونرهای آمریکایی چالش عظیمی محسوب می‌شد، زیرا لازاریست‌ها از هیچ بدگویی و دشنام‌پراکنی علیه رقیبان پروا نمی‌کردند و به آسانی انگ بدبینی، بدکیشی، دزدی و آدم‌کشی به پروتستان‌ها می‌زدند. به جای پرداختن به برنامه‌های آموزشی و یا تدریس آئین کاتولیک در میان هم‌کیشان، کوتاه کردن دست هیئت پروتستان از ایران را وجهه همت خود قرار داده بودند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۲۶۲-۱۲۵۶ق، کارتن ۵، پوشه ۱۳، ش ۶.۲؛ ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۷؛ Coan, 1879: 36, 50; Murre-van den Berg, 2006: 342). این امر واکنش مأموران ایرانی را به دنبال آورد، زیرا این کشمکش‌ها برای تمامیت ارضی ایران خطرآفرین بود. از این رو، محمد شاه، در ۱۲۵۷ق. / ۱۸۴۱م. فرمان «منع تبلیغ» را صادر کرد (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۹۵؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۵۷؛ Waterfeild, 1973: 109-110).

خصومت‌های لازاریست‌ها تا جایی بود که دست به دامن سید عبدالمجید مجتهد، امام‌جمعه ارومیه شدند. این مجتهد فتوا داد که کشیشان کاتولیک نه تنها به عبادت خدای تعالی اشتغال دارند، بلکه اتهامات وارده به آنها ناشی از جهل است. آنها همچنین برای تصاحب کلیسای ماری در ارومیه بار دیگر به سراغ سید عبدالمجید رفتند و او فوراً فتوی داد که هر دو کلیسا در زمان‌های قدیم ملک کاتولیک‌ها بودند و باید به آنها برگردانده شوند. لازاریست‌ها همچنین به امام‌جمعه تبریز نیز روی آوردند. او نیز تأیید کرد که کلیسای ماری و گابریل از معابد کاتولیک و از اموال موقوفه محسوب می‌شدند. از این رو، مسیحیان پیرو سایر مذاهب به‌ویژه پروتستان‌ها حق تملک آنها را نداشتند (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۷۱، ۱۶۹-۱۶۸؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۶).

در برابر حمایت دو مجتهد ارومیه و تبریز از لازاریست‌ها، پروتستان‌ها سراغ علما و سادات آذربایجان رفتند تا به یاری آنان شورشی علیه مدارس کاتولیک برانگیزند؛ طومارهای گوناگون هم تهیه کردند. میسیونرهای آمریکایی همچنین در خسروآباد سلماس به سراغ

مباشران و محصلین مالیاتی رفتند تا آنها را علیه لزاریست‌ها بسیج کنند. هنگامی که این اقدامات، کاری از پیش نبرد، میسیونرهای آمریکایی برای مقابله با لزاریست‌ها به سفرای روس و انگلیس متوسل گشتند،<sup>۱</sup> سفیر روسیه با آنها همراه شد و خواستار اخراج لزاری‌ها از ایران شد. سرانجام با حمایت‌های شاهزاده بهمن میرزا حاکم محلی وقت آذربایجان، کشیشان لزاریست در ۱۲۵۸ق. / ۱۸۴۲م. از ارومیه اخراج شدند. با روی کار آمدن میرزا تقی‌خان امیرکبیر، دوباره آرامش به ارومیه بازگشت و لزاریست‌ها مدارس نوینی تأسیس کرده و حتی فعالیت فرهنگی و مذهبی خود را به تبریز و تهران کشانیدند (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۷۱؛ همو، ۱۹۸۸: ۲۰۲؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۲۳۹-۲۳۸؛ Frazee, 1984: 28, 32; Flynn, 2017: 728-729).

لزاریست‌ها در دوره حکومت ناصرالدین شاه، نخستین چاپخانه خود را راه‌اندازی کردند (۱۲۷۷ق. / ۱۸۶۱م.). همچنین در ۱۲۹۱ق. / ۱۸۷۴م. پادری کلوزل رئیس هیئت لزاریست در بازگشت از فرانسه چاپخانه نوینی با خود به ارومیه آورد. آنها یک دستگاه الفبای زبان سریانی را در بلژیک خریدند. در همان سال، انجیلی را به زبان سریانی ترجمه و منتشر کردند. این چاپخانه بارها به تحریک رقبای آمریکایی به آتش کشیده شد و از کار افتاد. لزاریست‌ها در ۱۳۱۳ق. / ۱۸۹۶م.، در ارومیه چاپ نشریه ماهانه *نمای حقیقت*<sup>۲</sup> را آغاز کردند که معادل کاتولیک نشریه *پرتوهای نور*<sup>۳</sup> میسیونرهای آمریکایی بود. اما این نشریه تمرکز بیشتری بر تاریخ، یادگیری کتاب مقدس و فلسفه داشت. نشریه لزاریست‌ها هرگز به پای *پرتوهای نور* که

۱. همین که سرسی (Comte de Sercey) سفیر فرانسه پا از خاک ایران بیرون گذاشت، روس‌ها و انگلیسیان که دولت ایران را بی پشت و پناه دیدند، به انتقام‌جوئی برآمدند. نخست آرامنه ارتدوکس را به جان‌نهادهای کاتولیک ارومیه انداختند و کلوزل (Cluzel) و دارنيس (Darnis)؛ سرکشیشان هیئت لزاریست و بنیانگذاران مدارس فرانسوی را که از ۱۸۴۰م. در خسروآباد و ارومیه پا گرفته بودند، از منطقه راندند و دارنيس را به زندان افکندند. بدین سان ارومیه را به دست هیئت آمریکایی سپردند که یکه‌تاز میدان شد و از پشتیبانی سرسختانه دولت انگلیس برخوردار بود، به ویژه که در این سال‌ها انگلیسی‌ها در نبود میسیون به ناگزیر با هیئت آمریکایی همکاری می‌کردند. وضع بدین منوال بود تا اینکه سارتیژ (Comte Étienne de Sartiges)، سفیر جدید فرانسه در ۱۸۴۴م. به ایران رسید. جان ویشارد که خود از میسیونرهای آمریکایی فعال در ایران بود، در باره کمک‌های نمایندگان سیاسی روسیه و انگلیس به میسیون آمریکا نوشته است: «از سال ۱۸۳۵م تا ۱۸۸۳م. منافع آمریکایی‌ها توسط فرانسه، روسیه و انگلستان محفوظ بود. آمریکایی‌ها پس از دولت خود به بریتانیای کبیر بسیار مدیونند. هر زمان که لازم بوده، قنصل‌ها و هیئت سیاسی انگلیس همان حمایت و همراهی که نسبت به انگلیسی‌ها کرده‌اند، در مورد آمریکایی‌ها نیز می‌پذول داشتند». ارتباطات میسیونرهای آمریکایی با نمایندگان سیاسی تا حدی بود که خواهر دکتر جوزف کوکران (Joseph Plumb Cochran)، اِما (Emma) با پونافیدین (Mr. Ponafidine) از نیروهای خدمات کنسولی روسیه در بغداد ازدواج کرد (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۶۳؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۲۴-۳۲۳; Speer, 1911: 163).

۲. Qalad Šrara (Cala Dehran)

۳. Rays of Light

سراسر بیروت، عراق و سوریه را پوشش می‌داد، نرسید.<sup>۱</sup> یکی از تفاوت‌های میسیون کاتولیک با میسیون آمریکا این بود که اگر میسیون‌های آمریکایی در زمینه اصلاحات اجتماعی<sup>۲</sup> می‌جنگیدند، میسیون‌های کاتولیک ضد اصلاحات بودند (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۹۱، ۱۷۱؛ Becker, 1984: 98-99, 107; Naby, 2010, in *Iranica*; Frazee, 2015: 275-276). میسیون‌های آمریکایی برای مقابله با فعالیت‌های تبشیری لازاریست‌ها، اغلب به سران حکومت ایران توسل می‌جستند (Speer, 1911: 98-99, 107). از طرفی لازاریست‌های فرانسوی دچار ضعف مالی بودند<sup>۳</sup> و می‌توان گفت که یکی از دلایل گستردگی و طول عمر میسیون آمریکا در ایران توانمندی مالی آنها بود (ناطق، ۱۳۷۵: ۲۰۱؛ سلطانیان، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۶؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۴۵؛ Becker, 2015: 275; Sheil, 1856: 356). کشیش شید<sup>۴</sup> میسیونر آمریکایی در ۵ رجب

۱. به نظر می‌رسد با توجه به پرمخاطب بودن نشریه پرتوهای نور، لازاریست‌ها سعی کردند جلوی انتشار این نشریه را بگیرند، زیرا در تاریخ ۴ ذی‌الحجه ۱۳۱۴ ق. / ۶ مه ۱۸۹۷ م. سفارت آمریکا در تهران طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه، قذغن نمودن انتشار نشریه پرتوهای نور در ارومیه را گزارش کرده و با ارسال نسخه ترجمه آن در صدد بودند که بی‌ضرر بودن آن را نشان دهند (کاوسی عراقی، ۱۳۸۵: ۴۰۴).

۲. میسیون‌های پرسبیتترین آمریکایی متأثر از جنبش بیداری بزرگ دوم در مذهب پروتستان، حامی اصلاحات اجتماعی بودند. آنها با توجه به مبانی الهیاتی خود به مسیحی‌سازی از طریق متمدن‌سازی باور داشتند. از این رو در صدد اصلاح و متمدن ساختن جوامع شرقی بودند تا از این طریق بتوانند آنها را به مسیحیت انجیلی رهنمون سازند (برای اطلاع بیشتر نک: فولادی‌پناه، کاظم‌بیگی، موسوی، ۱۴۰۳: ۵۹۵-۵۷۵).

۳. واگنر در این باره نوشته است: «یوجین بوره از جامعه لیون فرانسه یک میسیون کاتولیک در ارومیه تأسیس کرد که از موفقیت آمریکایی‌ها شبیه‌سازی شده بود. اما او این واقعیت را نادیده گرفته بود که پیروزی آنها [آمریکایی‌ها]، پاداش سخاوتمندانه بود و در لحظه قطع رشوه، خدمات و مدارس‌شان نقش بر آب می‌شد. لازاریست‌های فرانسوی که سرمایه آنها بسیار محدودتر از رقبای آنها بود، تأثیر چندانی نداشتند. آنها به من اعتراف کردند که به دلیل کمبود امکانات فلج شده‌اند. پول که در هر جا تأثیر جادویی دارد، افسونگر بزرگی در شرق است. در ایران این آهن‌ربا می‌تواند بر خصومت‌های قومی و عقیدتی غلبه کند. میسیون‌های آمریکایی با زندگی پرهیزکارانه خود، صدقات سخاوتمندانه و آموزش‌های بلاعوض، حتی در مورد فرزندان مسلمانان، در ایجاد نظر مطلوب‌تر به خودشان نسبت به فرانک‌ها تأثیر گذاشتند.» (برای اطلاع بیشتر نک: Wagner, 1856: 1268-269, 277).

۴. کشیش ویلیام شید (William Ambrose Shedd) (۱۹۱۸-۱۸۶۵ م.)، از جمله مهم‌ترین میسیونرهای پرسبیتری در ارومیه بود. او در ۱۸۶۵ م. در شهر ارومیه و در یک خانواده میسیونری متولد شد و در ۱۸۹۲ م. پس از اتمام تحصیلات خود از کالج ماریتا و مدرسه دینی پرینستون عازم ارومیه شد. وی با افراد با نفوذی در ارتباط بود. دایمی وی، چارلز داوز، بانکدار معروف شیکاگو بود که بعدها معاون رئیس‌جمهور آمریکا شد. قبل از شروع جنگ جهانی اول، ویلیام شید به صورت غیررسمی در سمت مأمور کنسولی آمریکا خدمت می‌کرد و عهده‌دار اموری مانند ثبت تولد و فوت و تمديد گذرنامه از جانب گوردون پادوک (Gordon Paddock) کنسول آمریکا در تبریز شد. در ۱۹۱۴ م. پادوک از وی خواست که رسماً کنسول افتخاری در ارومیه شود، اما وی قبول نکرد. او در نامه‌ای به کنسول آمریکا در تبریز نوشت: «قبول این سمت ممکن است موجب گردد مردم فکر کنند این میسیون ارتباطات سیاسی دارد»، هر چند که جنگ موجب شد که ویلیام شید نظر خود را تغییر دهد (زیرینسکی، ۱۳۸۰: ۳۹۴).

۱۲۹۹ق. / ۲۳ می ۱۸۸۲م. در باره اقدامات خصمانه میسیونرهای کاتولیک فرانسوی در روستاهای ارومیه علیه میسیونرهای آمریکایی گزارش‌هایی ارائه داده است و در خلال این گزارش‌ها می‌نویسد: «نظام پاپی در هر حال رنگ واقعی خود را نشان داده است و چه اهانت زشتی است بر دین مسیح میسیون‌های مسیحی در سرزمین مسلمانان! نتایج اخلاقی کار آنها ... مستی و دعوا و دشنام و خشونت و ... را دامن می‌زند. ... هزار سال است که ما ایمان خود را در اینجا در میان دین اسلام حفظ کرده‌ایم، اما تحت قدرت کاتولیک در عرض یک سال درهم کوبیده شدیم. فعالیت‌های کاتولیک‌ها، کار ما را در بسیاری از جاها به تأخیر می‌اندازد و باعث آزار ماست، اما چشم‌انداز برای پیشرفت کار ما وجود دارد و کاتولیک‌ها علی‌رغم تمام تلاش‌شان متوجه می‌شوند که روی شن و ماسه خانه می‌سازند، چرا که کسانی که به دلایل پست به آنها می‌پیوندند، آنها را به همین دلیل ترک می‌کنند. آنها برخی از طرفداران خود را از دست داده‌اند، به‌ویژه در شهر، چند تاجر برجسته آنها را ترک کرده و به جماعت ما پیوستند ... مخالفت‌های کاتولیک‌ها سنگین است، اما کار در حال انجام است. یک کشیش و ۳۰ خانواده (نسطوری)، کاتولیک‌ها را ترک کرده و در حال تحمل آزار و شکنجه هستند.» ( *Presbyterian Montly Record*, 1882: 33/ 274-276).

در قرن بیستم میلادی قدرت و حوزه نفوذ میسیونرهای فرانسوی به شکلی فزاینده کمتر شد. واقعیت این بود که در این سال‌ها افزایش تدریجی تداوم و کاربرد بیشتر زبان انگلیسی به رقابت سخت با زبان فرانسه منجر شد.<sup>۱</sup> از این رو، مسیحیان بیش از پیش به‌سوی آمریکائیان کشیده شدند که نه تنها پول بیشتر می‌دادند، بلکه به فارغ‌التحصیلان مدارس خود کمک هزینه می‌دادند تا برای تکمیل تحصیلات راهی آمریکا شوند؛ به‌عبارت دیگر مهاجرت آسوریان از ایران را تشویق می‌کردند. از سوی دیگر، هدف آسوری‌ها از مهاجرت، اشتغال در آمریکا به منظور ارسال دسترنج خود به ایران بود تا برای زندگی همسر و فرزندان‌شان هزینه شود. ولی

۱. گرچه قرارداد تیلست بین روسیه و فرانسه، نخستین گام‌ها برای توسعه روابط ایران و فرانسه را با شکست مواجه کرد، اما سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به فرانسه عاملی شد تا روابط فرهنگی بین دو کشور بیش از پیش تقویت شود. از این دوره به بعد، شاهد حضور روزافزون پزشکان، معلمان و مستشاران مالی و نظامی فرانسوی در ایران هستیم. این روند تا زمانی ادامه یافت که با قدرت‌گیری آلمان در صحنه سیاسی بین‌الملل، فرانسویان برای حفظ منافع خود و تحت فشار قرار دادن آلمان‌ها، به دولت‌های روسیه و انگلیس گرایش پیدا کردند؛ اقدامی که نارضایتی ایرانی‌ها را به دنبال داشت. واسطه‌گری فرانسوی‌ها در قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به دو منطقه نفوذ روسیه و انگلیس تقسیم کرد، از یک سو، و فراخواندن نیروهای فرانسوی حاضر در ایران در جریان جنگ جهانی اول از سوی دیگر، زمینه‌ای شد تا فرانسویان به تدریج نفوذ خود را در ایران از دست بدهند و هرگز نتوانند جایگاه پیشین خود را در این کشور بازپس گیرند (برای اطلاع بیشتر نک: اسنادی از روابط ایران و فرانسه، ۱۳۸۲: چهل و نه - چهل و دو؛ غفاری، ۱۳۶۸: ۱۲-۵، ۸-۵).

همین مهاجرت نه تنها تدریجاً ارومیه را از سکنه مسیحی خالی کرد، بلکه عرصه شهر و منطقه را برای تاخت‌وتاز نیروهای روس و ترک گشود. فرانسویان نیز که خود از هموارکنندگان راه مهاجرت بودند، در آن زمان به سبب خالی شدن مدارس و یا فزونی تعداد مهاجران به سوی روسیه و آمریکا بیش از فرانسه، در صدد جلوگیری از این جلای وطن مسیحیان برآمدند. آنها در این برهه، از دولت فرانسه درخواست کردند که کنسولگری خود را در ارومیه افتتاح کند تا ضمن یاری به لازاریست‌های بی‌پناه، از یک سو کاتولیک‌ها را از آزار نیروهای روس و ترک در امان دارد، از سوی دیگر از سیل مهاجرت مسیحیان ممانعت به عمل آورد. گفته می‌شود که در ۱۳۳۱ق./ ۱۹۱۳م. در دشت ارومیه و سلماس تنها نزدیک به ۲۰۰۰ کاتولیک می‌زیستند (ناطق، ۱۳۷۵: ۲۳۵).

در ۱۳۳۲ق./ ۱۹۱۴م. و سرآغاز جنگ جهانی اول، به رغم افزایش ۴۰۰۰۰ فرانک بودجه میسیونرها از سوی مجلس فرانسه، بر شمار میسیونرها در ایران افزوده نشد. ظاهراً برای فرانسویان فعالیت فرهنگی در برابر نفوذ سیاسی رنگ باخته بود. در همان شرایط گفته می‌شد که میسیونرهای کاتولیک همچنان می‌کوشیدند بازماندگان کاتولیک‌ها را که بیشترشان به میسیون آمریکایی پناه برده بودند، بیابند و سروسامان دهند (ناطق، ۱۳۷۵: ۲۴۳-۲۴۱). بدین ترتیب میسیونرهای آمریکایی به دلیل داشتن برتری از نظر امکانات مالی و بهره‌گیری از سایر امکانات در داخل ایران توانستند یکی از رقبای جدی خود در زمینه تبشیر مسیحیت را کنار بزنند؛ هر چند که میسیونرهای لازاریست فرانسوی تنها رقبای مذهبی خارجی آنها نبودند.

## ۲- میسیون آمریکا و میسیون ارتدوکس روس و انگلیکن

میسیونرهای روس بهترین و ایده‌آل‌ترین شرایط شهروندی و نیز آزادی مطلق از هر گونه ظلم و ستم را به کسانی که عضو کلیسای ارتدوکس می‌شدند، وعده می‌دادند و در عین حال کسانی که به طرف آنها نمی‌رفتند، به هر گونه شرارت تهدید می‌کردند (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ق.، کارتن ۲۴، پوشه ۲۶، ش. ۷ و ۸). به عبارتی مبشران مذهب ارتدوکس با خشونت و حمایت نظامی دولت روسیه سعی در جذب مسیحیان به آئین خود داشتند. در بیشتر روستاهای ارومیه بسیاری از مردم عضو کلیسای انجیلی و اعضای اصلی کلیسا، آسوریان و آرامنه جذب آنها شده بودند. از این‌رو، میسیونرهای روس جنگ تمام عیاری را با میسیونرهای آمریکایی راه انداخته بودند و بدین ترتیب حدوداً نیمی از پیروان کلیسای انجیلی را جذب کردند. از طرفی این موضوع برای میسیونرهای آمریکایی امری مبهم بود که نگرش

دولت روسیه به ایران چه خواهد بود.<sup>۱</sup> میسیونرهای آمریکایی این احتمال را می‌دادند که آذربایجان به واسطه تسلط میسیونرهای روس به نوعی تحت کنترل روسیه قرار گیرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ق، کارتن ۲۴، پوشه ۲۶، ش. ۶۳، ۴۰، ۳۴؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۲). (Speer, 1911: 209-211; *Evangelist and Religious Review*, 1902: 30,73)

باید توجه داشت که میسیونرهای آمریکایی روزه‌های امیدی در برابر نفوذ روس‌ها داشتند، زیرا در ایران یک حرکت اجتماعی بسیار قوی علیه روس‌ها وجود داشت که در رأس آن زمینداران قرار داشتند، چرا که آنها گمان می‌کردند در صورت افزایش بیشتر نفوذ روسیه، روابطشان با رعایای خود تغییر خواهد کرد. از طرفی علمای مسلمان به همراهی با ملاکان پیوستند، زیرا حضور میسیونرهای روس باعث می‌شد که تأثیر مسیحیان قوی‌تر و آنها ضعیف‌تر شوند. همچنین توده‌های مردم نیز نگاه مشابهی نسبت به روس‌ها داشتند و اغلب در طرفداری از آنها سرسختی از خود نشان می‌دادند. البته در عین حال مسلمانان صاحب نفوذ نیز کم نبودند که از حکومت فاسد و ضعیف وقت چنان منزجر بودند که مایل به تغییر وضع خود باشند (Speer, 1911: 210).

حضور میسیونرهای روس در ایران اوضاع را برای میسیونرهای آمریکایی بسیار دشوار کرده بود، چرا که میسیونرهای روس آنها را در شرایط سختی قرار داده بودند و زحمات چندین ساله‌شان را بر باد داده بودند. شیوه کار مبلغان ارتدوکس چنان بود که ابتدا میسیونرهایی را به روستاهای مسیحی آذربایجان می‌فرستادند و به وعظ و توزیع رساله‌های مذهبی در میان مسیحیان می‌پرداختند، سپس از مسیحیان درخواست می‌کردند که آنها اجازه دهند در کلیساهای محلی عبادت کنند و در صورت مخالفت مسیحیان به زور وارد کلیسا می‌شدند و پس از آن کلیسا را تصاحب می‌کردند و مانع ورود مسیحیان به کلیسا می‌شدند. از سوی دیگر، وعده دادن کار در روسیه و اجازه مهاجرت به سن پترزبورگ نیز از دیگر روش‌های تبلیغی کشیشان ارتدوکس بود. آنها با ثبت نام از افرادی که بر اساس آئین ارتدوکس غسل تعمید

۱. علی رغم این نظر که میسیونرهای آمریکایی ارتباطی با سران سیاسی دولت آمریکا نداشتند، باید خاطر نشان کرد که بنا بر گزارش‌های میسیونرهای آمریکایی، اطلاع از شرایط میسیون ایران همواره برای فالستر (Mr. Foster)، وزیر امور خارجه سابق آمریکا و هی (Mr. Hay)، وزیر خارجه وقت (۱۸۹۸م)، آمریکا بسیار مطلوب بود. به‌ویژه هی که می‌بایست از وسعت کار میسیون و به رسمیت شناختن حقوق آن مطلع می‌بود. هی در باره حضور و نفوذ میسیونرهای روس در آذربایجان ایران نگاه مثبتی داشت و به میسیونرها اطمینان داد که حتی اگر روسیه شمال ایران را تصرف کند، میسیونرهای مذهبی نباید از هیچ امتیاز و از حقوقی که از آن برخوردار بودند، محروم شوند (برای اطلاع بیشتر نک: (Speer, 1911, 223-224).

می‌یافتند، آنان را تحت‌الحمايه روسیه می‌نامیدند که این موضوع موجب بروز مشکلات فراوانی در آذربایجان می‌شد (برومند و همراز، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴). علاوه بر این کشیش‌های وابسته به کلیسای انجیلی با توجه به کاهش درآمدشان با مشکل مواجه شده بودند. حتی پیروان کاتولیک‌ها و انگلیکن‌ها نیز به سمت روس‌ها رفتند. با وجود این، میسیونرهای آمریکایی صحنه را ترک نکرده و به وظایف خود ادامه می‌دادند (Shedd, 1911: 24; Shedd, 1922: 64-66; Speer, 1911: 210-211). در سال ۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۹م. مخالفت و آزار و اذیت‌های زیادی از سوی میسیونرهای روس اعمال می‌شد. به عنوان مثال در روستای کوسی<sup>۱</sup> یک کشیش روس باعث مضیقه و ترس شدید مردم این روستا شده بود. این کشیش با رشوه دادن به مباشر مسلمانان و حمایت سران روستا توانسته بود به کسانی که در برابر دعوت‌های میسیون روس مقاومت کردند، آسیب برساند. میسیونرهای روس در ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م.، حتی دو کلیسای میسیونرهای آمریکایی در گوگ‌تپه و وزیرآباد را اشغال کردند. در این شرایط میسیونرهای آمریکایی با شکایت علیه آنها و با حمایت‌های دولت ایران توانستند کلیساهای مذکور را بازپس گیرند. بنابراین، حمایت‌های حاکمیت ایران از میسیونرهای آمریکایی در برابر اقدامات توسعه‌طلبانه میسیونرهای روس نقش تعیین‌کننده‌ای در بقا و قوت میسیون آمریکا داشت (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۳ق.، کارتن ۲۳، پوشه ۲، ش. ۳۳، ۳۰، ۱۵-۱۳؛ برومند، ۱۳۷۹: ۸۸-۸۷؛ Speer, 1911: 230).

در اوایل دهه ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. فعالیت‌های کلیسای روسیه در ایران بیشتر شد، چرا که دولت روسیه در حال فشار بر کشور و حکومت ایران بود. از طرفی راه‌آهن روسیه تا ایروان تکمیل شده و قرارداد ادامه آن تا جلفا بسته شده بود؛ حتی روس‌ها در خلیج فارس نیز کم و بیش فعال بودند. اما مهم‌ترین محل نفوذ و قدرت آنها در دربار ایران بود که اینگونه، اهدافشان توسط نمایندگان سیاسی روس محقق می‌شد. همچنین روسیه در حال افتتاح بانک استقراضی روس در تبریز بود و در این زمان کنسول روسیه در ارومیه استقرار یافت. ایران نیز وام‌های کلانی از روسیه دریافت کرده بود. بنابراین، نفوذ و تسلط روس‌ها بر ایران هر روز بیشتر می‌شد، چنانچه در ۱۳۳۲ق. / ۱۹۱۴م. هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول، ارومیه را به اشغال خود در آوردند. در نتیجه بنا بر گزارش‌های میسیونرهای آمریکایی، طبقات حاکم و دهقانان گمان می‌کردند که ایران عملاً در دستان تزار بزرگ است و هر چه می‌خواهد، با آن انجام خواهد داد (برومند، ۱۳۷۹: ۸۹؛ یسلسون، ۱۳۶۸: ۹۶-۹۵؛ Speer, 1911: 240, 242).

<sup>۱</sup>. روستای کوسی Kosie روستایی در ارومیه از توابع بخش نازلو است.

247-248; Shedd, 1922: 88-89, 134, 138; *One Hundred Fifteenth Annual Report*, 1917: 1). میسیونرهای آمریکایی در مقابل فعالیت‌های میسیون ارتدوکس روس نیز به مقاومت می‌پرداختند. بدین ترتیب به صورت کج‌دار و مریز با آنها برخورد می‌کردند، چرا که میسیون روس بسیار قدرتمند بود و حمایت‌های حکومت روسیه را در پشت خود داشت.

میسیونرهای آمریکایی با میسیونرهای انگلیکن در تقابل بودند، زیرا آنها سد راه فعالیت‌های تبشیری‌شان در میان آسوریان به‌شمار می‌رفتند. جرج کرزن نیز به این امر اشاره کرده و در این باره نوشته است: «در میان هیئت‌های آمریکایی و انگلیسی به‌طوری که طبیعی است، حسادت و تضاد هست. نه فقط از این جهت که آمریکایی‌ها زودتر در آنجا به کار پرداخته و مدعی شده‌اند که حق انحصاری دارند، بلکه هدف دو هیئت هم به کلی متفاوت و بلکه متضاد است. هیئت‌های انگلیسی برای تقویت و اصلاح آن قوایی آمده‌اند که کار پرسبیترها بنا بر اعتراف خود آنها ضعیف ساختن و نابودی آن است.» (کرزن، ۱۳۴۹: ۶۹۳/۱-۶۹۲).

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی رقابت هیئت‌های تبشیری خارجی به‌ویژه میسیون‌های آمریکایی و اروپایی در ایران عصر قاجاری پرداخته است. این رقابت‌ها که عمدتاً در منطقه آذربایجان متمرکز بود، تأثیرات قابل توجهی بر روند فعالیت‌های تبشیری و همچنین بر جامعه محلی ایران داشت. میسیون‌های آمریکایی با وجود چالش‌های متعدد از جمله رقابت با میسیون‌های کاتولیک فرانسوی، ارتدوکس روسی و انگلیکن توانستند با استفاده از منابع مالی قوی، پشتیبانی دستیاران بومی و حمایت‌های داخلی به موفقیت‌های نسبی دست یابند. این موفقیت‌ها در حالی حاصل شد که برخی میسیون‌های اروپایی به‌ویژه لازاریست‌های فرانسوی با چالش‌های مالی و سازمانی مواجه بودند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رقابت‌های بین‌المللی در زمینه تبلیغات مسیحی نه تنها بر روابط بین‌مذهبی در ایران تأثیر گذاشت، بلکه به‌عنوان عاملی در تحولات اجتماعی و سیاسی منطقه نیز عمل کرد. این رقابت‌ها منجر به افزایش تنش‌های محلی، تغییرات مذهبی در میان جوامع مسیحی و حتی تأثیر بر روابط ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی مانند روسیه و فرانسه شد. با این حال، میسیون‌های آمریکایی با اتکاء به استراتژی‌های هوشمندانه و انعطاف‌پذیری توانستند در این رقابت‌ها جایگاه خود را حفظ کنند و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در عرصه تبلیغات مسیحی در ایران قاجاری باقی بمانند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که فعالیت‌های تبشیری در ایران قاجاری تنها محدود به تبلیغ مذهب نبود، بلکه

به‌عنوان ابزاری برای نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های خارجی نیز عمل می‌کرد. این موضوع اهمیت مطالعه فعالیت‌های میسیونری را در چارچوب گسترده‌تری از تاریخ روابط بین‌المللی و تحولات داخلی ایران برجسته می‌سازد. فرجام سخن اینکه مقاله حاضر بر نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه تأثیرات بلندمدت این رقابت‌ها بر جامعه ایران و نقش آن در شکل‌گیری هویت‌های مذهبی و فرهنگی در دوره معاصر تأکید می‌کند.

## منابع و مآخذ

### اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، ۱۲۶۲-۱۲۵۶ هجری قمری  
آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، ۱۳۱۷ هجری قمری  
آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، ۱۳۲۳ هجری قمری

### فارسی:

احمدی، حسین (به کوشش)، ۱۳۸۲، *اسنادی از روابط ایران و فرانسه (پس از مشروطه تا پایان قاجار)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

\_\_\_\_\_، «لازاریست‌های فرانسوی در ایران؛ بررسی زمینه‌های حضور و عملکرد (۱۲۵۴-۱۲۶۵ق)»، تاریخ معاصر، ۱۳۷۸، شماره ۱۱، صص ۶۸-۴۱.

برومند، صفورا، ۱۳۸۰، *پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

برومند، صفورا و ویدا همراز، «نگاهی به فعالیت مبلغان ارتدوکس روسی در ایران از آغاز ورود تا مشروطیت»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۸۰-۱۳۷۹، شماره ۵ و ۶، صص ۹۱-۶۹.

زیرینسکی، مایکل، ۱۳۸۰، «میسیونرهای پرسبیتی آمریکایی در شهر ارومیه در جنگ جهانی اول»، *ایران و جنگ جهانی اول: مجموعه مقالات سمینار*، به کوشش صفا اخوان، تهران: وزارت امور خارجه.

سلطانیان، ابوطالب، «بررسی کارنامه فرهنگی میسیونرهای لازاریست فرانسه در ایران (از اوایل دوره قاجار تا جنگ جهانی اول)»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۲، صص ۸۴-۶۳.

غفاری، ابوالحسن، ۱۳۶۸، *تاریخ روابط ایران و فرانسه (از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

فولادی‌پناه، اعظم، محمدعلی کاظم‌بیگی و جمال موسوی، «بررسی پیامدهای فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در جامعه آسوری آذربایجان»، *مجله ادیان و عرفان*، ۱۴۰۱، دوره ۵۵، شماره ۲، صص ۳۱۴-۲۹۳.

«مبانی الهیاتی هیئت‌های تیشیری آمریکا و تأثیر آن بر رویکرد تیشیری آنان در ایران قاجاری»، نشریه مطالعات کشورها، ۱۴۰۳، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵۹۸-۵۷۵.

قائم‌مقامی، جهانگیر، «مسئله لازاریها در ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی، ۱۳۵۰، شماره ۳۷، صص ۵۱-۱.

کاوسی عراقی، محمدحسن، ۱۳۸۵، *فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۱۵۳-۱۴۷)*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

کرزن، جرج، ۱۳۴۹، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه: غ. وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

گروته، هوگو، ۱۳۶۹، *سفرنامه گروته*، ترجمه: مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.

موجانی، علی، ۱۳۷۵، *گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا*، تهران: وزارت امور خارجه.

ناطق، هما، ۱۹۸۸، *ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴*، لندن: مرکز چاپ و نشر پیام.

\_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*، پاریس: خاوران.

ویشارد، جان، ۱۳۶۳، *بیست سال در ایران*، ترجمه: علی پیرنیا، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.

یسلسون، آبراهام، ۱۳۶۸، *روابط سیاسی ایران و آمریکا*، ترجمه: محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

#### لاتین:

- Ameer, John P., 2008, *Assyrians in Yonkers: Reminiscences of a Community*, New Jersey: Gorgias Press.
- Becker, Adam. H, 2015, *Revival and Awakening: American Missionaries in Iran, and the Origins of Assyrian Nationalism*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Cash, William W., 1930, *Persia: Old and New*, London: Church Missionary Society.
- Patte, D. (ed.), 2010, *Cambridge Dictionary of Christianity*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Coan, G. W., 1879, "NEWS FROM PERSIA", *New York Evangelist*, Sept. 4.
- Evangelist and Religious Review*, 1902, July 24.
- Flinn, Frank K., 2007, *Encyclopedia of Catholicism*, New York: Facts on File Publishing.
- Flynn, Thomas O., 2017, *The Western Christian Presence in the Russias and Qājār Persia, c. 1760–c.1870*, Leiden: Brill.
- Fraze, Charles A., "Vincentian Missions in the Islamic World", *Vincentian Heritage Journal*, 1984, 5, 1-42.
- Hadidi, Dj., 2012, "FRANCE- Part xv. FRENCH SCHOOLS IN PERSIA", *Encyclopedia Iranica*, X/2: 178-181, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/france-xv> (accessed on 30 December 2012).
- Murre-van den Berg, H. L., 2006, "Paul Bedjan, Missionary for Life (1838-1920)", in *Homilies of Mar Jacob of Sarug*, PP.339-369.
- Naby, E., 2010, "QALA d-ŠRARA", *Encyclopedia Iranica*, <https://iranicaonline.org/articles/qala-dsrara>.
- One Hundred Fifteenth Annual Report Board of Home Missions of the Presbyterian Church in the United States of America*, 1917, New York: Presbyterian Board of Publication.
- Perkins, J., 1843, *A Residence of Eight Years in Persia among the Nestorian Christians; with Notes of the Muhammedans*, New York: Allen, Morrill & Wardwell.

- Presbyterian Montly Record of The Church in The United States of America*, 1882, Vol. XXXIII (33), Philadelphia: Presbyterian Board of Publication.
- Shahvar, S., 2009, *The Forgotten Schools: The Baha'is and Modern Education in Iran, 1899–1934*, London: I. B. Tauris Publishers.
- Shedd, Mary L., 1922, *The Measure of A Man: The Life Of William Ambrose Shedd Missionary to Persia*, New York: George H. Doran Company.
- Shedd, Rev. W. A., 1911, *Historical Sketch of the missions in Persia*, Philadelphia: The Womans' Foreign Missionary Society of the Presbyterian Church.
- Sheil, Lady, 1856, *Glimpses of Life and Manners in Persia*, London: William Clowes and Sons.
- Speer, Robert E., 1901, *Presbyterian Foreign Missions; An Account of the Foreign Mission of the Presbyterian Church in the U.S.A*, Chicago: Fleming B. Revell Company.
- , 1902, *Missionary Principles and Practice; A Discussion of Christian Missions and of some Criticisms upon them*, New York: Freminc H. Revert Company.
- , 1911, *The Hakim Sahib: The Foreign Doctor, A biography of Joseph Cochran, M.D of Persia*, New York: Fleming H. Revell Company.
- , and Carter, R., 1922, *Report on India and Persia, of the Deputation sent by the Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U. S. A. to visit these fields in 1921-22*, New York City: The Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U. S. A. .
- Tamcke, Martin, 2011, "Mission und Kulturkonflikt: Deutsche Missionen im Iran des 19. Jahrhunderts", In *Judaism, Christianity, and Islam in the Course of History: Exchange and Conflicts*, Edited by: Lothar Gall and Dietmar Willoweit, München: De Gruyter Oldenbourg.
- Wagner, M., 1856, *Travels in Persia, Georgia and Koordistan*, Vol.1, London: Hurst and Blackett Publishers.
- Waterfield, R. E., 1973, *Christians in Persia*, London: George Allen & Unwin.
- Wilson, Rev. S. G., 1895, *Persian life and customs; with Senses and Incidents of Residence and Travel in the Land of the Lion and the Sun*, Chicago: Student Missionary Campaign Library.
- , 1896, *Persia: Western Mission*, Philadelphia: Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School Work.

